

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام - 17 / فروردین / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز، روز بزرگی برای تاریخ اسلام، بلکه تاریخ بشریت است؛ روز ولادت نبی مکرم و رسول اعظم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله و همچنین روز ولادت امام به حق ناطق، حضرت جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم سلام الله و رحمته). و برکات این روز به خاطر آن ولادت عظمی و ولادت امام بزرگوار، امام جعفر صادق، برای مسلمانها بسیار عظیم است.

بزرگداشت این روزها برای تذکر ماست؛ تذکر به عظمت مولود این روز، که حقیقتاً فهم و ادراک بشری کوچکتر از آن است که بتواند آن حقیقت عظیم و آن روح والا و بزرگ را، با آن نورانیت، بدرستی درک کند. آنچه بر زبان امثال ما جاری می شود، مربوط به همین جنبه های ظواهر قضیه است که:

فاق النبیین فی خلق و فی خلق
و لم یدانوه فی علم و لا کرم
و کلهم من رسول الله ملتمس
غرفا من البحر او رشفاً من الدیم

این چیزهایی است که عقل بشر و ادراک بشری می تواند در وجود نبی اعظم از دور مشاهده کند و در برکات احکام و قوانین و کلمات آن بزرگواران خود را غوطه ور سازد.

ما امروز به عنوان مسلمان و به عنوان انسان، محتاج پیامبریم؛ حتی به عنوان مردمانی از نوع بشر. چون پیغمبر اکرم رحمة للعالمین بود؛ نه فقط رحمة للمسلمین. همه ی بشریت مرهون برکات و رحمت پیامبر اعظم اند. آنچه که به عنوان رسالت الهی، آن بزرگوار به بشریت عطا کرده است - که جامع همه ی مهام و کلیات آن، «قرآن کریم» است - امروز در اختیار ماست و می توانیم از آن بهره ببریم.

پیغمبر اکرم راه نجات را بر روی بشر باز کرد؛ راه صلاح را به روی بشر گشود؛ بشریت را در جاده ای تشویق به حرکت کرد که حرکت در این جاده می تواند مشکلات بشر را از بین ببرد؛ دردها را درمان کند. بشریت دردهای دیرین دارد که مربوط به یک دوره و یک زمان نیست؛ بشریت محتاج عدالت است، محتاج هدایت است، محتاج اخلاق والای انسانی است، محتاج دستگیری و رهنمایی است؛ عقل بشر، محتاج کمک مبعوثان الهی است. این راه را به روی بشر، پیامبر اعظم با همه ی سعه و ظرفیت هدایت الهی باز کرد. آنچه که موجب شد و پس از این هم موجب می شود که بشر از برکات این هدایت و این اعانت الهی برخوردار نشود، مربوط به خود انسانهاست؛ مربوط به جهل ماست؛ مربوط به کوتاهی و کاهلی و تنبلی ماست؛ مربوط به هوی پرستی و نفس پرستی ماست. بشر اگر چشم را باز کند، عقل را به کار بیندازد، همت بگمارد، حرکت بکند، راه باز است برای اینکه همه ی این مشکلات و دردهای دیرین و زخمهای کهنه ی بشری درمان شود.

در مقابل این دعوت، دعوت شیطان است که جنود و یاران و دست پروردگان خود را در مقابل انبیاء همیشه بسیج کرده است و بشر بر سر دو راهی است؛ باید انتخاب کند.

امروز امت اسلامی - در همه ی اقطار اسلامی - نگاه جدیدی به شریعت اسلام و آئین اسلام پیدا کرده اند ؛ بعد از غفلتهای طولانی، بعد از دور ماندن از زلال حقایق اسلامی در دورانهای متوالی و قرون متعدد. امروز بشریت چشم گشوده است ؛ دنیای اسلام و امت اسلامی چشم گشوده است به احکام اسلام و معارف اسلام ؛ چون فلسفه های دست ساز بشری ضعف و ناتوانی خود را در صحنه نشان داده اند. دنیای اسلام، امروز می تواند با تمسک به شریعت اسلامی و معارف اسلامی، پیشتاز بشریت به سوی تعالی و کمال باشد. دنیا، امروز آماده ی تحرك امت اسلامی است. پیشرفتهای علمی بشر - در عمده ترین بخش آن، اخلاق و معنویت و روح دینی به زاویه و به حاشیه رانده شده است - و دانش بشری و نگاه نو انسان به حقایق طبیعی عالم، می تواند دستمایه ای برای حرکت امت اسلامی باشد. معارف اسلامی در اختیار دنیای اسلام است ؛ سیره ی پیغمبر، کلام پیغمبر، از همه بالاتر، «قرآن کریم» در اختیار دنیای اسلام است و دنیای اسلام می تواند حرکت کند.

آنچه که در دوران کنونی با ملاحظه ی حوادث عالم و با رصد کردن آنچه که در دنیای سیاست می گذرد جای تردید نیست، دو سه مطلب عمده است:

یکی، بیداری دنیای اسلام است. حرفی که در صد سال قبل مصلحان دنیای اسلام در کشورهای مختلف در غرب دنیای اسلام، در شرق دنیای اسلام، در محیطهای غریبانه بر زبان می آوردند، امروز در دست توده های مردم به عنوان يك شعار مطرح است: برگشت به اسلام، احیای قرآن، ایجاد امت واحده، عزت و قدرت دنیای اسلام و امت اسلامی ؛ چیزهایی که به عنوان يك آرمان دوردست، مصلحان در محیطهای محدود در بین خواص مطرح می کردند، امروز در بین توده های مسلمان جزو آرمانهای مطرح و جزو شعارهای زنده است. به هر کدام از کشورهای اسلامی که شما نگاه کنید - بخصوص در میان قشرهای جوان و تحصیلکرده و روشنفکر - این شعارها زنده است. این نشان دهنده ی این حقیقت است که هویت اسلامی در دلها زنده شده است. البته نقش پیروزی اسلام در ایران اسلامی در این زمینه نقش بسیار بارزی است. ملت ایران با فداکاری خود، با ایستادگی خود، با به دست گرفتن علم عزت اسلامی، به ملت های مسلمان روح دمیدند ؛ آنها را امیدوار کردند. نتایج این امید را شما در گوشه گوشه ی دنیای اسلام و در کشورهای اسلامی مشاهده می کنید. این يك حقیقت غیر قابل انکار است.

حقیقت غیر قابل انکار دیگر این است که امروز دشمنی با اسلام از سوی جبهه ی استکبار جهانی، دشمنی سازمان یافته تر و جدی تر و همه جانبه تری است ؛ هم به لحاظ فرهنگی، هم به لحاظ تبلیغات سیاسی، هم به لحاظ تحرك سیاسی، هم به لحاظ اقتصادی. بیداری دنیای اسلام هم يك خطر برای جهان استکبار محسوب می شود. قدرتهای استکباری - یعنی آن کسانی که اداره ی بخش عظیمی از دنیا در پنجه ی اقتدار زر و زور آنهاست ؛ شبکه ی صهیونیسم جهانی، قدرت زورگوی امریکا، دستگاههای مالی ای که پشتیبان این نظام سلطه ی جهانی هستند - از بیداری دنیای اسلام احساس خطر می کنند و این را بر زبان هم می آورند. و آنچه که امروز علیه اسلام از جبهه های مختلف انجام می گیرد، يك حرکت سازمان یافته و حساب شده است ؛ طراحی شده است. این تصادفی نیست که همان حرفی را که رئیس جمهور امریکا - که در رأس قدرت شیطانی استکبار است - در مقابله ی با اسلام بیان می کند، آن را به زبان دیگری يك مقام عالی روحانی مسیحی بیان کند! قصد مؤاخذه ی اشخاص را نداریم، مسأله را تحلیل می کنیم. این نمی تواند تصادفی باشد. اهانت به پیغمبر در مطبوعات، ایراد به اسلام و اتهام به اسلام به عنوان دین خشن ؛ تهمت زدن به ملت های مسلمان. از آن طرف هم اظهارات سیاسیونی که دم از جنگ صلیبی می زنند ؛ دم از دشمنی با ملت های مسلمان می زنند و صریحاً این را ابراز می کنند. اینها تصادفی نیست. دشمن به عنوان يك جبهه در مقابل امت اسلامی تصمیم بر کارشکنی و اعمال دشمنی دارد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این دشمنی جدی تر شده است.

حقیقت سوم که آن هم بسیار مهم و قابل توجه است، این است که در این رویارویی، برخلاف محاسبات ظاهری و مادی، طرف علی الظاهر قدرتمندتر - یعنی مسلح به سلاح پول و سلاح نظامی و سلاح اقتصادی - مغلوب امت اسلامی و ملت‌های مسلمان و این حرکت عظیم اسلامی شده است و کاری از پیش نبرده است. بسیار در خور توجه است که در مسأله ی خاورمیانه و خصوص مسأله ی فلسطین یا مسائل گوناگونی که در این منطقه است - مثل مسأله ی عراق، مسأله ی لبنان - قدرت استکباری امریکا با همه ی قوا به میدان بیاید و شکست بخورد. این، يك حقیقتی است.

در فلسطین هم قدرتهای استکباری شکست خوردند. چه کسی می توانست باور کند که يك سازمان مبارزی که شعار او مقابله ی با رژیم صهیونیستی است، در میان فلسطینی ها قدرت بگیرد؟! چه کسی می توانست باور کند که تهاجم نظامی به لبنان به وسیله ی يك گروه مبارز مؤمن از جان گذشته، به طور فضاحت آمیزی شکست بخورد، که در جنگ سی و سه روزه ی لبنان دیده شد؟! چه کسی باور می کرد که امریکا با همه ی تلاشی که در عراق کرد و با گسیل آن همه نیرو، نتواند مقاصد خود را بر ملت عراق تحمیل کند و عراق را مدخلی قرار بدهد برای سیطره ی بر کل منطقه ی عربی خاورمیانه و بازی کردن با ملتها و دولتهای این منطقه؟! ولی اینها اتفاق افتاد. در همه ی این موارد، طرفی که شکست خورد، همان طرفی بود که به حسب ظاهر، از اقتدار نظامی و اقتدار ظاهری و پول و قدرت اقتصادی و سیاسی برخوردار بود. این هم يك حقیقتی است.

در این مواجهه و مقابله ی هویت اسلامی و هویت استکبار، طرف غالب، طرف هویت اسلامی بوده است. این حقایق را باید در نظر داشت. گاهی می گویند آقا! با واقعیات کار کنید؛ واقع بین باشید. واقع، اینهاست. وقایعی که باید در تحلیلها دید و در تصمیم گیریها مورد توجه قرار داد. این حقایق غیر قابل انکاری است که در مقابل چشم ماست و داریم می بینیم.

دنیای اسلام اگر بخواهد حرکت عمیق امت اسلامی را در جهت پیروزی، بدرستی پیش ببرد، الزاماتی را باید قبول کند، که اولین این الزامات، «اتحاد» است؛ اتحاد اسلامی، انسجام اسلامی.

به جان هم انداختن برادران، یکی از نقشه های اولی استکبار است که از قدیم هم شناخته شده است؛ تفرقه بینداز و حکومت کن، يك سیاست قدیمی است؛ همه هم گفته ایم، همه هم می دانیم، درعین حال، بعضاً متأسفانه همین سیاست را دشمن ما می تواند اعمال کند و ما غافل باشیم؛ به خاطر تبعیت از اهواء نفسانی، به خاطر تحلیلهای غلط، به خاطر کوتاه بینی ها، به خاطر ترجیح دادن منافع شخصی یا منافع کوتاه مدت بر منافع بلندمدت.

امروز شما نگاه کنید: سیاست استکبار ایجاد جنگ بین فلسطینی و فلسطینی است؛ بین عراقی و عراقی است؛ بین مسلمان شیعه و مسلمان سنی است؛ بین جامعه ی عربی و غیر عربی است. این، سیاستهای آشناست. این را اول باید همه علاج کنند. ما به سهم خود، وحدت را بین امت اسلامی يك ضرورت می دانیم. امسال را هم سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» اعلام کردیم. انسجام اسلامی در يك وجه، خود ناظر به همه ی دنیای اسلامی است؛ باید با هم منسجم باشند؛ باید به یکدیگر کمک کنند؛ هم دولتهای اسلامی، هم ملت‌های اسلامی. و دولتهای اسلامی در استفاده ی از ظرفیت ملت‌های اسلامی برای ایجاد این وحدت بزرگ، می توانند سهم و نقش داشته باشند.

چیزهایی مانع از اتحاد می شود. عمده ی آنها بعضاً کج فهمی ها و بی اطلاعی هاست؛ از حال هم خبر نداریم؛ درباره ی هم توهمات می کنیم؛ درباره ی عقاید هم، درباره ی تفکرات یکدیگر دچار اشتباه می شویم؛ شیعه درباره ی

سنی، سنی درباره ی شیعه ؛ فلان ملت مسلمان درباره ی آن ملت دیگر، درباره ی همسایه اش ؛ سوء تفاهم ها، که دشمنان هم بشدت بر این سوء تفاهم ها دامن می زنند. افرادی هم متأسفانه بر اثر همین سوء فهم، سوء تحلیل، ندیدن نقشه ی کلی دشمن، بازیچه ی این بازی دشمن قرار می گیرند و دشمن از آنها استفاده می کند. گاهی يك انگیزه ی خیلی كوچك، انسانی را وادار می كند حرفی بزند، موضعی بگیرد، کاری بکند که دشمن در نقشه ی کلی خود از آن حرف استفاده می کند و شكاف را بین برادران زیاد می کند.

علاج اصلی، داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی «اتحاد» است ؛ باید با هم متحد بشوند. علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند ؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم كج فهم متعصب وابسته ی به این، یا فلان، یا آن فرقه ی اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند ؛ تکفیر کند. تهیه ی منشور جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می کند. اگر شما این کار را نکنید، نسلهای بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد. می بینید دشمنی دشمنان را ! می بینید تلاش آنها را برای نابود کردن هویت اسلامی و ایجاد اختلاف بین امت اسلامی! بنشینید علاج کنید ؛ اصول را بر فروع ترجیح بدهید. در فروع ممکن است افراد يك مذهب هم با همدیگر اتحاد نظر نداشته باشند ؛ مانعی ندارد. مشترکات بزرگی وجود دارد ؛ گرد این محور - محور مشترکات - همه مجتمع شوند. مواظب توطئه ی دشمن باشند ؛ مواظب بازی دشمن باشند. خواص، بین خودشان بحثهای مذهبی را بکنند، اما به مردم نکشانند ؛ دلها را نسبت به یکدیگر چرکین نکنند ؛ دشمنی ها را زیاد نکنند ؛ چه بین فرقه های اسلامی، چه بین ملت های اسلامی، چه بین گروه های اسلامی در يك ملت.

آنچه که برای استکبار مهم است، «اسلام» است. می خواهند اسلام را بزنند ؛ این را همه باید بفهمیم. برای آنها شیعه و سنی فرق نمی کند. هر ملتی، هر جمعیتی، هر شخصیتی که تمسکش به اسلام بیشتر باشد، آنها از او احساس خطر می کنند ؛ حق هم دارند. واقعاً اسلام برای اهداف و مقاصد سیطره جویانه ی استکبار خطر است ؛ برای ملت های غیر مسلمان، نه ؛ هیچ خطری نیست. آنها عکس این را تبلیغ می کنند. آنها با استفاده ی از هنر، با استفاده ی از تبلیغات، با استفاده ی از سیاست، با استفاده ی از رسانه ها این طور تبلیغ می کنند که اسلام علیه ملت های دیگر است! علیه ادیان دیگر است! این طور نیست. اسلام علیه ادیان دیگر نیست. اسلام همان دینی است که وقتی بر مناطق غیر مسلمان مسلط شد، اصحاب ادیان از رحمت اسلام شکرگزاری کردند و گفتند شما بر ما از حکام قبلی خودمان مهربانتر هستید. در همین منطقه ی شامات، وقتی فاتحان اسلامی وارد شدند، یهودیان و مسیحی هایی که در منطقه بودند، به آنها گفتند شما مسلمانها بر ما مهربانید. آنها با مردم مهربانی کردند. اسلام دین رأفت است، دین رحمت است ؛ رحمة للعالمین است. اسلام به مسیحیت می گوید: «تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم». مشترکات را با آنها مورد ملاحظه قرار می دهد. اسلام علیه ملت های دیگر نیست، علیه ادیان دیگر نیست ؛ علیه زور است، علیه ظلم است، علیه استکبار است، علیه سیطره جوئی است. سیطره جویان و ظالمان و مستکبران این حقیقت را بعکس در دنیا وانمود می کنند. آنها از همه ی امکانات هم استفاده می کنند ؛ از هالیوود گرفته تا امکانات تبلیغاتی، تا اسلحه و نیروهای نظامی، برای اینکه عکس این را تبلیغ کنند و به دنیا نشان بدهند.

اسلام و بیداری اسلامی خطر است ؛ اما برای استکبار. و آنها این خطر را در هر جا ببینند، آن را هدف قرار می دهند ؛ آماج حملات خودشان قرار می دهند ؛ چه سنی باشد، چه شیعه باشد. استکبار به حماس در فلسطین همان نگاه و رفتاری را می کند، که با حزب الله در لبنان. آن سنی است، این شیعه است. نگاه استکبار به مسلمان های متعبد و پابند در هر نقطه ی از دنیا یکسان است ؛ چه شیعه و چه سنی. آیا عاقلانه است که ما بین خودمان نگاهمان را نگاه طائفی بکنیم؟ نگاه قومی بکنیم؟ نگاه مذهبی بکنیم؟ بین خودمان با هم دست به یقه بشویم؟ با هم گلاویز بشویم و فراموش کنیم که دشمن مشترك، هدفش این است که ما را از بین ببرد ؛ و نیرویمان را این جور هدر بدهیم؟

امروز دنیای اسلامی باید برای عزت خود تلاش کند؛ برای استقلال خود تلاش کند؛ برای پیشرفت علمی و قدرت معنوی خود، یعنی تمسک به دین و توکل به خدا و یقین به کمک خدا تلاش کند. و «عداوتك لعبادك منجره». این وعده ی الهی است؛ وعده ی منجر الهی است که «و لینصرن الله من ینصره». با اعتماد به این وعده، وارد میدان تحرك و عمل بشوند. این عمل، فقط تفنگ دست گرفتن نیست؛ این عمل، عمل فکری است، عمل عقلانی است، عمل علمی است، عمل اجتماعی است، عمل سیاسی است؛ همه برای خدا و همه در راه اتحاد دنیای اسلام. از این، هم ملتها منتفع می شوند، هم دولتهای اسلامی. دولتهای اسلامی اگر متصل به دریای بیکران امت اسلامی باشند، قویتر خواهند شد، تا متکی باشند به سفیر امریکا و فلان سیاستمدار امریکایی؛ این، برای آنها قدرت نمی آورد. اما اگر دولتهای اسلامی به دنیای اسلام، به امت اسلامی و به این دریای عظیم و خروشان متصل شوند؛ به هم نزدیک شوند، چرا استکبار بتواند يك دولت اسلامی را هدف قرار بدهد و او را از دیگران جدا کند؛ به حساب او برسد، بعد برود سراغ يك دولت دیگر؟ همه باید به این مسأله توجه کنند. دولتهای اسلامی، متحد و منسجم باشند و بدانند که می توانند.

ما این تجربه را در مقابل امت اسلامی قرار دادیم. ملت ایران، تجربه ی ایستادگی و اعتماد به خداوند و اعتماد به قدرت خود را در اختیار دنیای اسلام قرار داده است. دنیای اسلام می تواند نگاه کند. از اول انقلاب تا امروز بیست و هشت سال گذشته است. در این بیست و هشت سال، يك روز نشد که استکبار علیه ملت ما تلاش نکند؛ کار نکند. و ما هیچ روزی نشد که از روز قبل جلوتر نرویم و پیشرفت بیشتری نکنیم و قدرت بیشتری پیدا نکنیم.

از خداوند متعال مسألت می کنیم که رحمت و عنایت و کمک خود را شامل حال همه ی امت اسلامی بکند. این عید شریف را هم به همه ی امت اسلام و به شما حضار گرامی تبریک عرض می کنیم و درود می فرستیم بر روح مطهر امام بزرگوارمان که این راه را به روی ما باز کرد. و از خداوند متعال طلب علو درجات می کنیم برای شهدا و ایثارگرانمان که در این راه حرکت کردند و تلاش کردند. و امیدواریم دعای حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) شامل حال همه ی ملت های مسلمان باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته